

فلسفه وجودی آمادگی و قدرت دفاعی در قرآن با تأکید بر اندیشه علامه طباطبائی (ره)

محمدرضا ابراهیم نژاد

دانشیار معارف قرآنی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

فاطمه اکبری*

دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

عنایت شریفی

دانشیار معارف اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۰۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۰۹)

چک

به هر نوع آمادگی و اقتدار در برابر تهاجم دشمن، آمادگی و قدرت دفاعی گفته می‌شود که از مؤلفه‌های قدرت نظام‌های سیاسی دینی و غیر دینی محسوب می‌شود، و اساس هرگونه پیشرفت، توسعه و مقابله است. از این رو همگان در صدد تقویت، تکامل و تجهیز همه جانبه سازمان دفاعی خویش برآمده‌اند. چرا که حفظ موجودیت، تمامیت ارضی، استقلال و آزادی ایشان در سایه این امر مهم تأمین می‌شود. امری بسیار مهم که آیات قرآن کریم بدان امر و تأکید نموده‌است. لذا این نوشتار با روش توصیفی - تحلیلی و تفسیری به بررسی فلسفه وجودی آمادگی و قدرت دفاعی از نگاه قرآن با رویکرد تفسیری علامه طباطبائی پرداخته‌است که یافته‌های این پژوهش بدین شرح است: آمادگی و قدرت دفاعی سازوکاری مبنایی، حیاتی، عقلی، فطری، شرعی، مستمر و پیش نیاز دفاع و جهاد شمرده می‌شود. و نقش مؤثری در ایجاد رهب و ترس در دشمن دارد و نیز رابطه مستقیم بین آن و بازدارندگی وجود دارد که هرچه میزان آمادگی و اقتدار دفاعی افزایش یابد به همان میزان سطح بازدارندگی هم ارتقا می‌یابد. همچنین با بالا رفتن سطوح آمادگی و قدرت دفاعی میزان غافلگیری شدن قوای مسلح و مدافع نظام اسلامی کاهش می‌یابد و گاه به صفر می‌رسد و در نهایت آمادگی و قدرت دفاعی همه‌جانبه عامل مهمی در حفظ دین و شعائر الهی و صیانت امت اسلامی می‌باشد که در دیدگاه علامه طباطبائی مهم‌ترین فلسفه وجودی و هدف نهایی از آمادگی و قدرت دفاعی است و ارهاب، عدم غافلگیری و بازدارندگی اهداف میانی و ابزاری برای رسیدن به هدف مطلوب و نهایی - حفظ دین و شعائر الهی و امت اسلامی می‌باشند.

واژگان کلیدی: دفاع، فلسفه وجودی، آمادگی دفاعی، قدرت دفاعی، طباطبائی، قرآن.

* Email: f_akbari62@yahoo.com (نویسنده مسئول)

۱. مقدمه

از دیرباز تا به حال، جوامع انسانی اعم از محدود و گسترده، برای حفظ جان، بقاء اجتماع، تثبیت موقعیت مالی، اجتماعی و سیاسی خود، نیاز به قدرت و نیروی دفاعی را احساس نموده و برای آن تدابیری اندیشیده‌اند که بر اساس مقتضیات زمانی و مکان ساختارهای متفاوتی داشته‌است. با گسترش جمعیت، گستردگی جوامع انسانی، شکل‌گیری نظام‌های سیاسی و حکومت‌های متعدد اهمیت و ضرورت نیاز به آمادگی و قدرت دفاعی در برابر انواع تهدیدات داخلی و خارجی ملموس‌تر گشته‌است؛ تا آنجا که یکی از کلیدی‌ترین مؤلفه‌های قدرت نظام‌های سیاسی محسوب شده، و در قالب سازمان نظامی مقتدر تحقق یافته‌است. حفظ موجودیت، تثبیت موقعیت و اقتدار حکومت‌ها در سایه توانمندی دفاعی سازمان نظامی است و این امر مهم اختصاص به حکومت، ملت و مکتب خاصی ندارد بلکه همگان بدان نیازمند بوده و به نحوی در ایجاد، تحقق، تکامل، مدیریت دقیق و کارآمدی آن کوشیده‌اند. نظام اسلامی نیز از این قاعده مستثنی نبوده، بلکه نیازش به این قدرت دفاعی از سایر نظام‌های سیاسی، حکومت‌ها و مکاتب بیشتر است؛ زیرا با برنامه‌ها و آرمان‌هایی که برای بشریت در نظر گرفته، دشمنان زیادی در برابرش قد برافراشته‌اند، و با تمام نیرو، در صدد عدم تحقق این آرمان‌های الهی و انسانی هستند.

قرآن کریم نیز که کتاب زندگی و سعادت بشری است به مقوله آمادگی و کسب قدرت دفاعی عنایت و اهتمام ویژه داشته و بدان امر نموده‌است، و از مومنان می‌خواهد خود را به بالاترین مرتبه قدرت و توان نظامی تجهیز کنند ﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْحَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ...﴾ (انفال/ ۶۰) و ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ فَانفِرُوا تُنْبَاتٍ أَوْ انْفِرُوا جَمِيعًا﴾ ای اهل ایمان سلاح جنگ بگیرید و آن‌گاه دسته دسته یا همه یک‌باره متفق (برای جهاد) بیرون روید (نساء/ ۷۱).

بررسی آیات فوق نشان می‌دهد که خداوند با این مسأله اهتمام جدی داشته‌است و در کنار این فراخوان فلسفه آن نیز مطرح نموده است که این پژوهش در صدد است با روش توصیفی - تحلیلی

و تفسیری، به بررسی فلسفه وجودی قدرت دفاعی از منظر قرآن با تأکید بر اندیشه علامه طباطبائی پرداخته و به سؤالات زیر پاسخ دهد:

الف. فلسفه وجودی آمادگی و قدرت دفاعی از منظر قرآن چیست؟

ب. رویکرد تفسیری علامه طباطبائی به این مسأله چیست؟

درباره پیشنهاد این تحقیق تاکنون به دلیل جایگاه و اهمیت آن، فعالیت‌هایی در قالب کتاب، مقاله، پایان‌نامه و ... از منظر قرآن و اسلام انجام شده است که می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: مقالاتی همچون: «نگاهی به ضرورت و جدت نیروهای مسلح از منظر منابع روایی و قانونی» تألیف صادق فرازی - مجله حصون، پاییز ۱۳۸۴، شماره ۵ که به ضرورت آمادگی دفاعی در آیات و روایات بدون اشاره به فلسفه آن پرداخته است؛ «مبانی و اصول دفاعی جمهوری اسلامی ایران از منظر قرآن کریم» تألیف رضا یداله‌ی - نشریه مطالعات دفاعی استراتژیک، بهار ۱۳۹۹، دوره ۱۸، شماره ۷۹ که مبانی دفاعی و فلسفه وجودی جهاد و دفاع را مورد بررسی قرار داده است، نه مبانی قدرت و آمادگی دفاعی را؛ «طراحی الگوی بازدارندگی نظامی از منظر آموزه‌های دینی» تألیف علی نژاد مهدی، گودرزی محسن و شجاعی سعید - مطالعات مدیریت راهبردی دفاع ملی: پاییز ۱۳۹۸، دوره ۳، شماره ۱۱ که مدل بازدارندگی اسلامی و شیوه‌هایی که منجر با باز دارندگی می‌شود را مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه دست یافته است که با عنایت به اینکه دین اسلام حامی صلح طلبی و احقاق حقوق مستضعفان عالم است، در این الگو بازدارندگی نظامی بیشتر تأکید بر جلوگیری از جنگ و خشونت دارد و در این راستا تفاوت آشکاری با حملات پیش‌دستانه غربی‌ها و همچنین خشونت‌طلبی برخی از فرقه‌ها و قومیت‌های به ظاهر اسلامی از قبیل گروه تروریستی القاعده و داعش، دارد؛ «تأثیر اقتدار دفاعی بر اقتدار سیاسی از دیدگاه امام خامنه‌ای» تألیف فتح‌الله کلاتری، نشریه سیاست دفاعی، بهار ۱۳۹۶، دوره ۲۵، شماره ۹۸ که به این نتیجه می‌رسد که از طریق قدرت موشکی و توان نهضتی، تهدیدات امنیتی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای خنثی می‌شود و به همین دلیل اقتدار دفاعی همه‌جانبه ضمن خنثی کردن انواع تهدیدات سخت، نرم و هوشمند، باعث اقتدار سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه و جهان شده است که همه این آثار

بسیار ارزشمند و غنی هستند. ولی اثری مستقل در باب فلسفه وجودی آمادگی دفاعی از منظر قرآن با رویکرد تفسیری علامه طباطبائی نگاشته نشده است؛ لذا نوشتار حاضر با این هدف، اولین اثری است که به تبیین و بررسی فلسفه وجودی آمادگی و قدرت دفاعی از منظر قرآن با رویکرد تفسیری علامه طباطبائی می‌پردازد.

۲. مفهوم‌شناسی

دفاع در لغت به معنای زیر آمده است: از بین بردن با قوت (ر.ک؛ ابن منظور، ج ۸: ۸۷)، رد کردن و برگرداندن، کوچ کردن، حمایت و یاری کردن (ر.ک؛ الزبیدی، بی تا، ج ۱۱: ۱۱۵). راغب می‌نویسد: اگر با حرف (الی) متعدی شود در معنی دادن و رساندن است و اگر با حرف (عن) متعدی شود در معنی (حمایت) است.

دفاع انواع مختلفی دارد که عبارتند از: دفاع اجتماعی، جانی و حیاتی، مالی، عرضی و ناموسی و دفاع از استقلال و آزادی در برابر استعمارگران و متجاوزان. همه انواع دفاع، از نگاه همه انسان‌ها و اسلام مشروع، ضروری و واجب هستند (ر.ک؛ طاهری خرم آبادی، ۱۳۶۸: ۴۹؛ بهشتی دامغانی، ۱۳۹۱: ۲۴). هر چند که در این کار ناملایماتی هم محتمل باشد؛ مگر اینکه در این میان خطری قطعی و یقینی در کار باشد که با وجود آن خطر، دیگر دفاع و کوشش مؤثر نباشد؛ در آن صورت می‌شود دفاع را تعطیل کرد (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۱۸: ۲۷۹).

معادل فارسی کلمه «دفاع» پدافند است که به دو صورت عامل و غیر عامل قابل تحقق است: الف) پدافند عامل که همان جنگ دفاعی رو در رو با دشمن متجاوز به حریم مرزی، استقلال و آزادی، جان، مال و ناموس مسلمانان صورت می‌گیرد.

ب) پدافند غیرعامل: هنر علم دفاع بدون اسلحه می‌باشد و در آن از آموزه‌ها و دستورالعمل‌های علمی و هوشمندانه، همراه با بکارگیری ابزار آلات و فناوری‌های نوین جهت افزایش کارآمدی، ایمنی، کاهش آسیب پذیری و تلفات در زمان جنگ و کلاً حوادث سهمگین غیرمنتظره استفاده

می‌شود (ر.ک؛ جلالی فراهانی، ۱۳۹۰: ۹). به دیگر سخن آیاتی که بر کسب قدرت دفاعی امر می‌کنند دعوت به دفاع غیر عامل است و در مقابل آیاتی که به جهاد و دفاع در برابر دشمن امر می‌کنند دفاع عامل می‌باشد.

بازدارندگی؛ این مفهوم از منظر لغوی از مصدر «بازداشتن» به معنای منع کردن، جلوی کسی یا چیزی یا کاری را گرفتن است (ر.ک؛ عمید، ۱۳۷۴: ج ۲: ۱۱۵؛ دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۵: ۲۲۲). در زبان انگلیسی واژه (Deterrence) به معنای بازداشت، منع (ر.ک؛ آریان پورکاشانی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۵۸۶)، و ایجاد تردید از طریق ترس و تهدید (ر.ک؛ حییم، ۱۳۷۸: ص ۱۳۵) آمده است. در علوم سیاسی به معنای پیشگیری و خودداری شخص، کشور و یا حکومتی از انجام حرکت و فعالیتی بر علیه دیگری به دلیل ترس، وحشت، ترور و تهدید است. در واقع بازدارندگی، روان و اراده دشمن را هدف می‌گیرد و آن را سست و لرزان می‌کند و از هرگونه اقدام عملی باز می‌دارد. زیرا دشمن به این نتیجه می‌رسد که هرگونه کنش او واکنشی دردناک، رنج آور، آسیب زننده، خسارت‌زا، گسترده و غیر قابل جبران را به بار می‌آورد (ر.ک؛ گریفیتس، ۱۳۸۸: ۱۶۵ - ۱۶۳).

در واقع بازدارندگی، ناظر به راهبرد منصرف‌سازی است که به قصد جلوگیری از انجام عملی مشخص صورت می‌گیرد. و با سیاست اجبار تفاوت دارد. هم اقدام غیر قابل قبول طرف و هم تهدید به تلافی طرف بازدارنده، با توسل به شیوه‌های نظامی، اقتصادی، دیپلماتیک و ... صورت می‌گیرد بر این اساس بازدارندگی می‌تواند در زمینه‌های مختلف و به شیوه‌های متقارن و غیر متقارن جلوه‌گر شود (همان).

۳. مبانی نظری

۳-۱. دفاع امری فطری

دفاع از امور طبیعی و فطری بشر است. زیرا در درون همه موجودات یک نیروی فطری، اصیل و غریزی تحت عنوان انگیزه دفاع و رفتار دفاعی از حیات خود در برابر خطرات به ودیعه نهاده

شده است که هرگاه خود را در معرض نابودی، تجاوز و تصاحب سایرین بینند، به صورت غریزی، از راهبردهایی متنوع همچون حمله، گریز و استتار بهره می‌جویند که خداوند به طور غریزی در آنها قرار داده است.

انسان نیز به تبع میل غریزی و فطری، و نیز به دلیل برخورداری از موهبت عقل، زبان، استعدادهای متنوع، فرصت تربیت اخلاقی و متناسب با عوامل خطرآفرین انسانی و غیرانسانی، مجموعه شرایط، مختصات جغرافیایی، آب و هوایی، شخصیتی و روانی، زمانی و مکانی، موقعیت استراتژیک و ژئوپولوتیک شیوه‌های دفاعی خاص را در پیش می‌گیرد.

علاوه طباطبائی می‌نویسد: «طبیعت وجودی، به خودی خود مجهز به قوه و ادواتی شده که با آن از خود دفاع می‌کند؛ چون مفطور به حب وجود است، فطرتاً وجود را دوست می‌دارد و هر چیزی که حیات او را تهدید می‌کند به هر وسیله که شده و حتی با ارتکاب قتل و اعدام، از خود دور می‌سازد و به همین جهت است، که هیچ انسانی نخواهی یافت که در جواز کشتن کسی که می‌خواهد او را بکشد و جز کشتنش چاره‌ای نیست شک داشته باشد، و این عمل را جائز نداند» (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج: ۱، ۴۳۶). فطرت، لزوم دفاع از خود و متعلقاتش را به گردن بشر انداخته و الهام کرده است؛ که گاه به نحو شایسته و گاه به نحو ناشایست نمود می‌یابد (همان، ج: ۴، ۴۲۰).

مبارزه و دفاع از سنت‌های جاری عمومی و فراگیر در بین موجودات و انسان‌ها است. که این سنت فطری به خداوند متعال باز می‌گردد. چرا که خدای متعال تمامی موجودات را به قوه و نیروی دفاع مجهز ساخته، تا در برابر دشمنانشان از خود محافظت کنند، تا در محیطی امن و عاری از فساد و بی‌عدالتی و ظلم، مسیر سعادت و تکامل خویش را طی نماید. بنابراین لازمه حیات امن و سعادت‌مند در گرو آمادگی همه‌جانبه است؛ بر همین اساس آدمی باید همواره مراقب باشد، و پیش‌بینی‌ها، تدارکات و ابزارهای لازم را فراهم نماید تا هنگام خطر غافلگیر نشود. چون مبارزه، قتال و جنگ امری دائمی و مستمر نیست و گاه رخ می‌دهد و ما مشقت مقطعی را برای راحتی

دائمی تحمل می‌کنیم. اما آمادگی دفاعی امری دائم‌الوقت است و باید همیشه در بالاترین سطح هوشیاری و دفاعی قرار داشته باشیم (همان، ج ۱۴: ۳۸۵).

۳-۲. متعلق امر الهی

هرچند که دفاع امری فطری است، اما اسلام نیز به آن امر می‌کند: زیرا دین اسلام و دستوراتش منطبق بر فطرت انسان‌ها می‌باشد. ﴿فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا، لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ...﴾ (روم/ ۳۰).

علامه طباطبائی می‌نویسد: در حقیقت خداوند از یک سو خلقت آدمی او را برای این پذیرش آماده ساخته است و از سوی دیگر دین را پاسخ‌گوی نیازهای فطری انسان قرار داده و نظریات و راه حل‌های منطقی، هم‌سو، دقیق و جامع برای زندگی ارائه می‌دهد (ر.ک؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۱: ۴۱). بدین‌گونه بین عبادت و فطرت پیوند و پیوستگی است. معبود همان فاطر و عابد همان مفسطور است، و فطرت بندگان بر عبادت فاطر رهنمون می‌باشد. حاصل آنکه فطرت در کل جهان و در همه ابعاد آن سرایت دارد و بین آن دو هماهنگی بوده و بلکه يك فطرت واحد است که به مقتضای همان بود (واحد) در کل آفرینش و در مقاطع و مراتب آن و از جمله در انسان حضور دارد» (جوادی آملی، بی‌تا: ۸۷).

بدین رو دین فطری در قرآن به آمادگی دفاعی مداوم در برابر دشمنان امر می‌کند؛ زیرا جوامع انسانی متعدد از مجموعه‌ای از افراد با ویژگی‌های متنوع که به منظور حفظ منافع خویش گرد هم آمده‌اند متشکل شده‌اند. دیری نمی‌پاید که یک اجتماع به منافع اجتماع دیگر طمع می‌ورزد، در نتیجه کشمکش بین دو اجتماع شکل می‌گیرد، و با تمام توان خود برای شکست طرف مقابل تلاش می‌کنند. بنابراین جدال، مبارزه و تجاوز سرزمینی امری گریز ناپذیر در جوامع بشری از ابتدا تا به اکنون می‌باشد که مسبب جنگ‌های کوچک و بزرگ و خسارت‌زا شده‌اند. در واقع جنگ و دفاع

امر قهری است چراکه در انسان فطرتا ابزار دفاع همچون غضب، شدت، نیروی تعقل و تفکر قرار داده شده که خود دلیلی بر اجتناب ناپذیری وقوع جنگ است (ر.ک؛ طباطبائی، ج ۹: ۱۱۶).

بنابراین به حکم فطرت، بر جوامع اسلامی فرض است. در همه حال، تا آنجا که در توان دارند، خود و جوامع شان را در حد توان نظامی بالقوه و بالفعل دشمن مجهز نمایند بدین سبب خطاب در آیات فوق عام است. یعنی کل مسلمانان، اعم از مرد و زن، پیر و جوان تکلیف دارند اسلحه به دست گیرند، و از حریم اسلام و مسلمین دفاع کنند. بنابراین از باب مقدمه واجب، بر همگان لازم است که آموزش کافی ببینند و به آمادگی لازم دست یابند (ر.ک؛ همان، ج ۹: ۱۱۵).

دست‌یابی به این سطح از آمادگی مستلزم اطلاعات دقیقی از اهداف و توان نظامی بالفعل و بالقوه دشمن و رصد دقیق آن می‌باشد تا موفقیت بزرگی را برای سپاه اسلام فراهم آورند، و دشمن متجاوز را خوار و خفیف نموده، و به عقب براند. و بالعکس عدم آمادگی عامل شکست و سرافکنندگی مؤمنان می‌شود.

۳-۳. آمادگی دفاعی پیش نیاز جهاد

از نظر عقلی وجود مقدمات مقدم بر تحقق هر امری است. به عبارت دیگر تحقق درست هر امری در گرو فراهم آوردن مقدمات و پیش نیازهای آن می‌باشد زیرا تا پیش نیازهای امری طی نشود آن امر یا به سرانجام نمی‌رسد و یا نتیجه عکس می‌دهد. که بر اساس قاعده «کَلِمَا حَكَمَ بِهِ الْعَقْلُ حَكَمَ بِهِ الشَّرْعُ» (انصاری، ۱۴۲۶ق، ج ۱: ۵۹۸) فقه اسلامی تهیه مقدمات را از باب مقدمه واجب، واجب می‌داند مثل وضو برای نماز... (ر.ک؛ فاضل لنکرانی، ۱۳۸۱، ج ۴: ۳۴۶).

خداوند در باب کسب آمادگی دفاعی می‌فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْحَيْلِ» که واژه «إعداد» به معنای فراهم آوردن تفصیلی و دقیق هر چیز است (ر.ک؛ مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۸: ۴۹). علامه طباطبائی در معنای إعداد می‌نویسد: همه انسان‌ها برای رسیدن به اهداف خود باید ابزارها، وسایل و برنامه‌هایی را تدارک ببینند تا به واسطه آن به اهداف خرد و کلان خویش

نازل آیند؛ که اگر از قبل مهیا نکنند، رسیدن به مطلوبشان غیر ممکن خواهد بود؛ به این مقدمات، اعداد گفته می‌شود. مانند تهیه کردن هیزم و کبریت برای تهیه آتش، و نیز مانند تهیه آتش برای طبخ غذا و کلمه «قوه» نیز به معنای تمام چیزهایی که با وجودش کار معینی از کارها ممکن می‌گردد. این واژه در جنگ به معنای هر چیزی است که جنگ و دفاع با آن امکان پذیر است، از قبیل انواع اسلحه، مردان جنگی با تجربه و دارای سوابق جنگی و تشکیلات نظامی (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۹: ۱۱۴)، بودجه، کمک مالی مردمی، وحدت و یکپارچگی، آموزش نظامی زنان، ظاهر سازی، خضاب کردن، شیوه‌های تبلیغی همچون تبلیغ و سرود (ر.ک؛ قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۳: ۳۴۴). واژه قوه، واژه پر معنایی است که نه تنها وسائل جنگی و سلاح‌های مدرن هر عصری را در بر می‌گیرد، بلکه تمام نیروها و قدرت‌هایی را که به نوعی در پیروزی بر دشمن اثر دارد شامل می‌شود، اعم از نیروهای مادی و معنوی (ر.ک؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۷: ۲۲۲).

این آیه، بیانگر یک اصل اجتماعی اسلامی همواره نو و زنده است. یعنی هم مسیر ما را در گذشته، حال و آینده، بر اساس مقتضیات زمانه و شرایط مشخص می‌کند و در همه زمان‌ها می‌توان این حکم را با توجه به شرایط زمانه اجرایی نمود (ر.ک؛ مطهری، ۱۳۶۷: ۹۳) بنابراین آمادگی و تجهیز به آنچه دفاع و جهاد قوی و موفق را رقم می‌زند امری حتمی، عقلی و همیشگی است زیرا فراهم آوردن انواع تجهیزات سخت افزاری و نرم افزاری و هوشمندسازی در حین دفاع و جهاد امری سخت و گاه غیرممکن است که شکست را به دنبال دارد. جدای از این مسأله خود آمادگی دفاعی نیز کارکردهای مهم زیادی دارد که یکی از آنها تضمین موفقیت جهاد و دفاع است.

۳-۴. مردمی بودن آمادگی دفاعی

آمادگی و قدرت دفاعی یک امر عمومی و فراگیر و شامل کل افراد جامعه است و اختصاص به نهاد و تشکیلات خاصی ندارد بلکه بر همگان فرض است که خود را به آنچه برای مبارزه با دشمن لازم است تجهیز کنند زیرا هر چند حکومت توان تأمین همه امکانات و تجهیزات و

مکانسیم‌های دفاعی را دارد اما در شرایط خاص و حساس فراتر از نیروهای تربیت یافته خویش نیازمند بسیج مردمی برای تأمین نیروی انسانی خویش است، و از سوی دیگر در صورت تجاوز دشمن متخصصان منافع تک تک افراد جامعه به خطر می‌افتد. از این رو همه در حد توان خود باید این آمادگی را در خود ایجاد کنند. در حقیقت قرار گرفتن نیروهای مردمی در کنار نیروی دفاعی حکومتی دژ دفاعی قوی در برابر دشمنان است و تجربه تاریخی ثابت نموده‌است که اتحاد بسیج مردمی و نهادهای نظامی موفقیت‌ها و پیروزی‌های بزرگی را رقم زده است و بالعکس.

از این رو علامه طباطبائی در ذیل آیه ۶۰ انفال می‌نویسد: دشمن منافع یک جامعه اسلامی دشمن منافع تمامی افراد است، و بر همه افراد است، که قیام نموده و دشمن را از خود و از منافع خود دفع دهند، و باید برای چنین روزی نیرو و اسلحه زیر سر داشته باشند، تا بتوانند منافع خود را از خطر دست‌برد دشمن نگهدارند، چرا که پاره‌ای از ذخیره‌های دفاعی هست که تهیه آن جز از عهده حکومت‌ها بر نمی‌آید، و لیکن پاره‌ای دیگر هم هست که مسئول تهیه آن خود افرادند، چون حکومت هر قدر هم نیرومند و دارای امکانات زیادی باشد به افراد مردم محتاج است، پس مردم هم به نوبه خود باید قبلاً فنون جنگی را آموخته و خود را برای روز مبادا آماده کنند پس تکلیف «و اعدوا»، تکلیف به همه است (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۹: ۱۱۵)

۴. فلسفه وجودی آمادگی دفاعی از نظر قرآن

خداوند متعال حکیم است و لازمه حکمت الهی غایت‌مندی در آنچه که بدان امر یا نهی می‌کند می‌باشد؛ یعنی یا در آن تأمین مصالحی یا دفع مفاسدی مستتر است که از جمله این اوامر امر به آمادگی و اقتدار دفاعی است که به یقین اهداف، غایت و فلسفه‌ای در آن لحاظ شده‌است که عبارتند از:

۴-۱. ارهاب و ترساندن

ارهاب از ماده «رهب» به معنای ترس و خوف با دوراندیشی و احتیاط و اضطراب است (ر.ک؛ الراغب الاصفهانی، ۱۴۱۲ ه، ج ۱: ۳۶۶). بنابراین ارهاب بر دو اصل پایدار است: یکی دلالت بر خوف دارد و دیگری دلالت بر دقت و خفت دارد (ر.ک؛ ابن فارس، ۱۳۹۹ ه، ج ۲: ۴۴۷). در عرصه جهانی و تعامل بین‌المللی گفتگو و استدلال و دیپلماسی همیشه کارساز نیست و در بعضی موارد باید با قدرت و تهدید وارد میدان شد و در مقابل دشمن بی‌منطق و متجاوز ایستاد (ر.ک؛ قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۳: ۳۴۵) از این رو برای حفظ منافع باید در کنار دیپلماسی باید از اقتدار نظامی فوق‌العاده بهره برد؛ زیرا قدرت دفاعی قوی، فوق تصور دشمن، فراگیر و به روز، لشکری قوی به نام ترس و رعب به دنبال می‌آورد که در حقیقت از بُعد روانی بر دشمن تاثیر می‌گذارد و طرح و برنامه‌های دشمن را نقش بر آب می‌کند و یا به تعویق می‌اندازد و یا از شدت زیان‌باری آن می‌کاهد. علامه طباطبائی در تفسیر (وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْحَيْلِ) چنین می‌نویسد: هدف بر خورداری از قدرت و تسلیحات و افزایش آگاهی رزمی و ورزشی جنگی سربازان (تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ) یعنی ایجاد رعب و ترس در دل دشمنان خدا و مردم جامعه است تا آنها را سر جایشان بنشانند. بنابراین ارهاب، یک نیروی دفاعی قوی است نه مهاجم و آغاز کننده جنگ؛ قصدش آزادی بخشی است نه تجاوز به دیگران؛ گلوله‌هایش به سمت دشمن نشانه و در سینه دشمن فرو می‌رود نه دوست؛ پاسدار منافع خویش باشد نه بیگانه و سرانجام، ارتشی در کنار مردم و دوش به دوش آنها نه رویاروی آنها است (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۹: ۱۱۴).

بنابراین هدف آمادگی و اقتدار دفاعی در سطوح حکومتی و مردمی با هدف انداختن ارهاب و ترس دل و جان دشمن است، تا مؤمنان از یوق استعمارگران و مستکبران منطقه‌ای و جهانی رهایی یابند و در قالب امت واحده با تمام توان و امکانات حافظ منافع و مصالح خویش باشند.

علت این امر این است که لازمه حفظ موجودیت در عرصه بین‌المللی و جهانی برخورداری از اقتدار نظامی کارآمد، پیشرفته، هدف‌مند، منسجم، مستمر از جهت سخت‌افزاری، نرم‌افزاری

است. تا به حیات خویش البته به صورت مستقل، عزت‌مندانه و به دور از هرگونه تحقیر و سرخوردگی ادامه دهد و این محقق نمی‌شود مگر اینکه هیمنه و وسعت دفاهی و امنیتی آن امواج سهمگین ترس را بر قلب‌های سردمداران کفر و استعمار مستولی نموده و لرزه بر روح و روانشان بیفکند. به تعبیر دیگر لشکر ارباب عامل مهمی برای حفظ امنیت و منافع حکومت اسلامی را در سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی حفظ می‌باشد و از این طریق بهتر می‌تواند نقش خود را به عنوان بازیگر عرصه منطق‌ای و جهانی ایفا نموده و مصالح و منافع ملی و فراملی خویش را تأمین نماید و روابط و تعامل سازنده بر پایه روابط متقابل با سایر کشورها داشته باشد که در سایه دشمن‌هراسی کامل، ایمان، اعتقاد، ارزش‌های انسانی و اسلامی حفظ، تقویت و اجرایی و فراگیر شوند. در واقع توان دفاعی لازم و مقتدرانه یک عمل‌پیشگیرانه است، که با شناخت دسیسه‌ها و نقشه‌های دشمن در گذشته، حال و آینده، پیش‌بینی و طراحی و سازمان‌دهی تدارکات مقابله با آن می‌توان ارباب و ترس را به جان آنان انداخت و مانع از بروز حوادث و رویدادهای خسارت‌بار شد از این رو مقام معظم رهبری نیز می‌فرماید: «در دنیایی که قدرت‌های زورگو، سلطه‌گر و دارای کمترین جوهره اخلاق، وجدان و انسانیت حاکم هستند و از تجاوز به کشورها و کشتار انسان‌های بی‌گناه هیچ ابایی ندارند، توسعه صنایع دفاعی و تهاجمی کاملاً طبیعی است؛ زیرا این قدرت‌ها تا اقتدار کشور را احساس نکنند امنیت تأمین نخواهد شد» (https://farsi.khamenei.ir/news- (content?id=34213).

۴-۲. وسعت و دامنه هراس افکنی

هراس افکنی یک تاکتیک مقطعی نیست. بلکه یک راهبرد مستمر است، که هیچ وقفه‌ای در آن جایز نیست. چون از یک سو دشمنی دشمنان امری مستمر و همیشگی است و جدال میان حق و باطل همیشه بوده و خواهد بود و از سوی دیگر دشمنی همیشه بالفعل و مشهود و ملموس و شناخته شده نیست. بلکه گاه دشمنی بالقوه، ناشناخته، نامحسوس و در بستر زمان و در آینده بروز

می‌کند، و یا حال فعلی کشورها و دولت‌ها نه تنها بیانگر دوستی و عدم دشمنی آنهاست بلکه کاملاً هم‌نظر و هم‌سو با اهداف و افکار ما به نظر می‌رسند ولی ممکن است چند صباحی دیگر خلاف این ظاهر پوشالی خویش عمل نموده و دشمنی بورزند که دیگر فرصت برای آمادگی و توان دفاعی میسر نیست و لازمه این امر مهم دشمن شناسی قوی با تمام ابعاد و زوایایش است.

از این رو خداوند در ادامه آیه می‌فرماید: ﴿وَأَخْرَجَ مِنْ دُونِهِمُ﴾؛ و کسان دیگری جز آنان را نیز به هراس اندازید که ایشان را نمی‌شناسید. در واقع این نکته را به مسلمانان گوشزد می‌کند که باید حواستان به دشمنان بالقوه و پشت پرده که هنوز دشمنی خویش را آشکار و علنی نساخته‌اند و در پوشش نفاق دشمنی می‌ورزند هم باشد و از آنان غافل نشوید، زیرا آنها تنها در ظاهر با شما هم‌عقیده، هم‌فکر و همراه بوده (ر.ک؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹ق، ج ۵: ۳۳۲) و مطلع بر اسرار و نقاط ضعف و قوت شما هستند (طبرسی، ۱۴۲۰ق، ج ۲: ۳۴). دشمنی اینان بسی خطرناک‌تر از دشمنان آشکار است؛ زیرا در لباس خودی و تحت عنوان نیروی اسلام و دوست ضربه مهلک بر مؤمنین وارد می‌سازند و راه حل برخورد عالمنه، مقتدرانه و هوشمندانه با دشمنان بالقوه، آمادگی دفاعی در تمام زمان‌ها و مکان‌ها است زیرا «آمادگی دفاعی بالا موجب ترس و اضطراب دشمنان آشکار و پنهان خدا و مومنان می‌شود، طمع آنان را نسبت به سرزمین و منافع مسلمانان قطع کرده، و ادارشان می‌کند دشمنی خود را پنهان نموده و بروز ندهند و برنامه‌های شومشان را به اجرا نگذارند و عقب بنشینند (ر.ک؛ رشیدرضا، ۱۹۹۰م، ج ۱۰: ۵۶).

بنابراین اگر جامعه از اقتدار لازم نظامی و کافی نسبت به دشمنان آشکار و احتمالی خویش برخوردار باشد قطعاً اقتدار سیاسی در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی را به دنبال دارد که به بهترین شکل و با کمترین هزینه می‌تواند امنیت و حقوق مردمانش را در داخل و خارج مرزهای جغرافیایی، امنیت مرزهای دریایی، هوایی و زمینی و حتی برون مرزی را تأمین نماید. وجود مردم و نظام سیاسی هوشیار و با اقتدار، موجی از ترس و نگرانی را بر دل‌های دشمن می‌افکند و آنان را از رفتار تجاوزگرانه باز می‌دارد.

۳-۴. صیانت از غافلگیر شدن

غافلگیری در لغت حالتی است که در اثر حمله بی خبر شخصی به شخص دیگر یا دیده شدن شخصی در حال انجام عملی غیر منتظره به وجود می آید (ر.ک؛ دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۸: ۱۱۲) و در اصطلاح نظامی عبارت است از وارد ساختن ضربه به دشمن در زمان، مکان و حالتی که انتظار و آمادگی پذیرش و واکنش لازم علیه آن را نداشته باشد (ر.ک؛ رستمی، ۱۳۸۶: ۲۴۹).

هرچند که اصل غافلگیری از شیوه و روش های تاکتیک نظامی است اما به دلیل اینکه راه میانبر برای پیروزی است، اهمیت فراوانی دارد. مخصوصاً زمانی که با ترکیب های مختلفی از پنهان کاری، سرعت، فریب، منحصر به فرد بودن و جسارت تقویت گردد، می تواند تعادل قدرت را قاطعانه جابه جا کند و راه دست یابی به پیروزی را با تلاشی بسیار کمتر از حد تصور هموار نماید (ر.ک؛ کالینز، ترجمه کورش بایندر، ۱۳۸۸، ۷۲) چراکه دشمن از طریق غافلگیری به دنبال پیروزی سریع و فتح آسان تر مواضع مورد نظر خود، برهم زدن تعادل روحی دشمن، ایجاد ناهماهنگی و آشفتگی سازمانی، جبران کمبود نیرو و امکانات و به دست گرفتن ابتکار عمل است (ر.ک؛ جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۰، ۱۵).

قرآن کریم به اصل غافلگیری اشاره نموده است: و به مؤمنان می فرماید در همه حال و شرایط حتی در حال نماز نیز باید آمادگی خود را حفظ کنید زیرا کوچک ترین غفلت شما دشمن را به حرکت وا می دارد: ﴿وَلْيَأْخُذُوا حِذْرَهُمْ وَأَسْلِحَتَهُمْ وَذَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِنَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُمْ مَيْلَةً وَاحِدَةً...﴾ آنها باید وسایل دفاعی و سلاح هایشان (را در حال نماز) با خود حمل کنند؛ (زیرا) کافران آرزو دارند که شما از سلاح ها و متاع های خود غافل شوید و یکباره به شما هجوم آورند (نساء/۱۰۲).

زیرا غفلت انسان ها را به استضعاف کشانیده و با وجود غفلت، دیگر قدرت معنا ندارد (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۵: ۵۱) و غفلت و هرگونه سستی و اهمال کاری نقطه مقابل هوشیاری است که درگاه نفوذ و ضربه دشمن است. از آیه این نکات به دست می آید که باید در همه حال، هوشیاری

لازم وجود داشته باشد، حتی نماز نباید مسلمانان را از خطر دشمن غافل کند «وَلْيَأْخُذُوا أَسْلِحَتَهُمْ»، از آرزوهای دشمن، آگاه باشید. «وَدَّ الَّذِينَ»، با هوشیاری، باید از امکانات نظامی و اقتصادی حفاظت کرد. «أَسْلِحَتِكُمْ وَ أَمْتِعَتِكُمْ»، غفلت امت اسلامی، شیخون کفار را در پی خواهد داشت. «مَيْلَةً وَاحِدَةً» هر سخن و برنامه و حرکتی که مسلمانان را غافل کند، گامی است در جهت اهداف و خواسته‌های دشمن. «وَدَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ»، در هیچ حالی، رزمنده نباید از وسائل حفاظتی دور باشد حتی اگر اسلحه ندارد، زره بر تن داشته باشد. «خُذُوا حِذْرَكُمْ» (قرآنی، ۱۳۸۸، ج ۲: ۱۴۸).

شناخت نقاط ضعف و رفع نواقص و کاستی‌ها، مناطق حساس و پرخطر، توجه به زمان و رصد لحظه‌ای دشمن، بر آورد کردن تاکتیک و تکنیک‌های دشمن و هوشیاری صد در صدی امری لازم، حتمی است. زیرا دشمن بیکار ننشسته و نمی‌نشیند و هر لحظه ممکن است با کوتاهی و غفلت ما از یک امر جزئی از انواع غافل‌گیری استفاده نماید؛ زیرا، این اصل به لحاظ عامل و چگونگی آن، دارای انواعی است که زمین منطقه درگیری نوع گسترش و آرایش دشمن و امکانات و مقدرات خودی، اجرای هر يك از آنها را تعیین و دیکته می‌کند. کامل‌ترین و موفق‌ترین شکل غافل‌گیری، ترکیب انواع آن است؛ به گونه‌ای که دشمن، از یک یا همزمان از چند نوع غافل‌گیر کننده همچون غافل‌گیری زمانی، مکانی، طراحی، تاکتیکی، غافل‌گیری و تکنیکی استفاده کند (ر.ک؛ جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۰: ۱۶).

تنها حربه و عامل رفع و دفع غافل‌گیری وجود آمادگی تمام وقت در برابر دشمن خواهد بود. در حقیقت پیروزی در همه زمان‌ها فقط و فقط با آمادگی از هر جهت امکان‌پذیر است (ر.ک؛ آلوسی، ۱۴۱۵ه، ج ۱۰: ۲۴) زیرا دشمن با دیدن آمادگی کامل مومنان و مجهز شدنشان به انواع سلاح‌های متناسب با زمان خودشان متوجه می‌شود که باید فکر و نیت حمله و تجاوز به دارالاسلام را از سر بیرون کند و از شدت ترس و اضطراب سریع‌تر تسلیم شده و جزیه دادن را بپذیرد؛ یا ممکن است با دیدن قدرت، عظمت و شوکت مسلمانان، اسلام را بپذیرد، از کمک کردن به سایر دشمنان مسلمانان خودداری کنند، و این آمادگی جامع و کامل جیش الاسلام اعتبار و اقتدار مومنان را افزایش

می‌دهد (ر.ک؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۱۵: ۴۹۹) و راه هرگونه غافل‌گیر شدن را سد می‌نماید و این پیام به دشمن القا می‌شود که راه نفوذی برای ضربه زدن وجود ندارد.

زدودن غفلت و غافلگیر نشدن در سایه سیاست‌گذاری قوی در حوزه نظامی و اقتصادی و فرهنگی، اجرای دقیق، تلاش بی‌وقفه، تعیین اولویت‌ها، وحدت و هم‌دلی، هم‌سویی میدان و دیپلماسی، تجهیزات مدرن و به روز فوق تصور دشمن، تکیه بر توان داخلی، بومی‌سازی ابزار آلات نظامی، عدم وابستگی به بیگانگان، نگاه به درون و مردم، احساس وظیفه و مسئولین نسبت به خود و جامعه و آیندگان، شناخت دشمن اصلی و پرهیز از کسالت و تنبلی قابل تحقق است و سستی در هر یک از مصادیق طمع دشمن را می‌جنباند و کشور و دولت و ملت را عقب نگاه می‌دارد. مقام معظم رهبری می‌فرماید: غفلت از دشمن بیرونی، خطای راهبردی عظیمی است که ما را دچار خسارت خواهد کرد. خوب، باید دشمن را شناخت، دید ... دشمنی او را باید فهمید، نقشه او را باید تشخیص داد (ر.ک؛ بیانات رهبری ۹۳/۴/۱۱ در دیدار با اساتید دانشگاه‌ها).

شکست زبوانه کافران و دشمنان مؤمنان از یک سو در گرو فراهم آوردن تجهیزات و تسلیحات نظامی در بالاترین سطح توان حکومت و جوامع، و از سوی دیگر منوط به هوشیاری و آمادگی مجاهدان فی سبیل الله در نبرد با دشمنان خدا و خودشان است. ﴿وَلْيَأْخُذُوا حِذْرَهُمْ وَأَسْلِحَتَهُمْ وَذَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُمْ مَيْلَةً وَاحِدَةً...﴾ آنها باید وسایل دفاعی و سلاح‌هایشان (را در حال نماز) با خود حمل کنند؛ (زیرا) کافران آرزو دارند که شما از سلاح‌ها و متاع‌های خود غافل شوید و یکباره به شما هجوم آورند (نساء/۱۰۲).

بر اساس آیه فوق، پیروزی مؤمنان و شکست دشمن زمانی محقق می‌شود که هوشیاری در تمام طول جنگ توسط مجاهدان حفظ شود و سربازان و مدافعان، فریب نقشه‌های ایدائی و توطئه‌های دشمن را نخورند و با توکل بر خدا و تجهیزات خود در بالاترین سطح هوشیاری، دشمن را شکست داده و سر جایش بنشانند؛ زیرا تجربه نشان داده هر جا جنگجویان هوشیاری خویش را از دست داده و مواضع خود را رها کرده‌اند شکست در جنگ حتمی بوده‌است.

۴-۴. بازدارندگی

اقتدار دفاعی و ملی یک جامعه در همه حوزه‌های نظامی، سیاسی، اجتماعی، علمی و ... علاوه بر ارهاب و ترس دشمن، عامل مهمی برای بازدارندگی آنان از هرگونه حرکت تهاجمی و ایدانی می‌باشد. «بازدارندگی» یعنی هر یک از طرفین درگیری، طرف مقابل خویش را بدون به-کارگیری قوه قهریه نظامی و تهاجمی بلکه تنها با استفاده از تهدید و داشتن بالاترین سطح آمادگی - که از راه‌های گوناگون اقتدارش را به دشمن تفهیم نموده و دشمن را به این باور رسانده که هر کنش او واکنشی سخت و سهمگین را به همراه دارد - دشمن را خلع سلاح و نقشه‌هایش را نقش بر آب نماید، و از هرگونه تهاجم نظامی باز دارد (ر.ک؛ قاسمی، ۱۳۸۳: ۸۷).

در واقع غرض حقیقی از تهیه نیرو، تجهیزات و ... این است، که به قدر توانایشان بتوانند دشمن را دفع کنند، و مجتمع خود را از دشمنی که جان و مال و ناموسشان را تهدید می‌کند حفظ نمایند، و دشمن را از دشمنی‌اش باز دارند. پس مؤمنان باید در این راه مجاهده واقعی نمایند؛ یعنی بالاترین و آخرین حد توانمندی و وسع و قدرت خود را در دفع دشمن به کار گیرند (ر.ک؛ طباطبائی، ج ۱۶: ۱۵۱). از این رو، هدف از آماده کردن نیرو از جمله سلاح و تجهیزات، ترساندن دشمنان شناخته و ناشناخته خداوند و مسلمانان است که امروزه آن را قدرت بازدارندگی می‌نامند. به سخن دیگر، مهیا کردن نیرو برای دفاع از حقوق جامعه اسلامی و منافع حیاتی آن، و نشان دادن نیروی آماده، ترس دشمن را به دنبال دارد که خود، نوعی دفاع است. نتیجه اینکه مسلمانان در تهیه سلاح و تجهیزات و کسب آمادگی تسلیحاتی و تجهیزاتی باید به اندازه‌ای تلاش کنند که به قدرت بازدارندگی منطقه‌ای و جهان برسند. زیرا بازدارندگی منطقه‌ای و کنترل تحرکات دولت‌ها و کشورهای همسایه و وادار نمودن به تعامل احترام‌آمیز بر اساس حفظ حقوق متقابل، این پیام را به دشمنان فرامنطقه‌ای مخابره می‌کند، که جایگاه این کشور در منطقه با اهمیت، تعیین کننده، با ثبات و رفیع است. از این رو به راحتی نمی‌تواند معادلات منطقه را هر طور می‌خواهد رقم بزند چون

حریف و مانعی قوی در مقابل دارد که تحولات منطقه را رصد، مدیریت و کنترل می‌کند و کشورهای منطقه نیز به این باور می‌رسند که تباری با دشمنان فرامنطقه‌ای به ضرر آنها تمام می‌شود. بازدارندگی زمانی محقق می‌شود که یک کشور یا حکومت تنها راه دفاع از حیاتش را در تجهیز خود به تسلیحات نظامی پیشرفته‌تر از سلاح دشمن، متناسب با آخرین تکنولوژی روز و زمانه خویش، و هر آنچه که در این راه از امور مادی و معنوی نیاز است می‌بیند و قبل از اینکه خطری او را تهدید نماید خود را بدان مجهز می‌سازد تا دشمن با رویت توانمندی‌های فوق‌العاده آنان هراسان و متحیر شود و این رُعب مانع از تجاوز آنان به بلاد اسلامی، منافع مسلمانان، جان و ناموس آنان در داخل و بلکه خارج بلاد اسلامی شود (ر.ک؛ رشیدرضا، ۱۹۹۰ م، ج ۱۱: ۲۳۰).

به دیگر سخن، جامعه اسلامی به این باور می‌رسد که دست‌یابی به آخرین سیستم‌های نظامی ضروری و شرط بقا در عرصه رقابت بین‌المللی است و در سایه این توانمندی و اقتدار، دشمنان خود را به خویشنداری، مصالحه و زندگی مسالمت‌آمیز وادار می‌کند و در همه عرصه‌ها حرفی برای گفتن و نقشی برای ایفا دارد؛ به‌گونه‌ای که رقبای بین‌المللی در همه تصمیم‌گیری‌ها نگران دیدگاه و نظر کشور مقابل هستند و خیال آسوده‌ای ندارند.

با باز دارندگی تا حد زیادی می‌توان فتنه دشمن را خنثی نمود و میدان و ابتکار عمل را از او سلب کرد و شرّ و توطئه دشمن دفع نمود زیرا فتنه دشمن عواقب زیان‌باری به دنبال دارد تا آنجا که خداوند برای دفع آن اذن جهاد داده و با بانگ رسا می‌فرماید: (فَاتْلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً) (بقره: ۱۹۳) «با کفار قتال کنید تا از فتنه آنان جلوگیری کرده باشید» پس قتال با کفار برای دفع فتنه آنان است (ر.ک؛ طباطبائی، ج ۴: ۱۶۴) و جامعه اسلامی عاری از فتنه و فساد می‌تواند در امنیت و آرامش، مسیر پیشرفت خویش را برای رسیدن به آرمان‌های مادی و معنوی خویش طی نماید. آمادگی دفاعی و بازدارندگی استمرار دارد تا آنجا که دشمن و نقشه‌های فتنه و فساد بر انگیزش وجود دارد و بر آن اصرار می‌ورزند. پس وظیفه حکومت، مردم و کل مسلمانان عالم دفاع همه‌جانبه،

توانمندسازی کامل، ادامه مبارزه و جهادهای گوناگون علمی و عملی تا رفع فتنه و پذیرش اسلام است (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۹۲ش، ج ۹: ۶۲۴).

۴-۵. حفظ دین الهی و امت اسلامی

دیگر فلسفه وجودی آمادگی دفاعی، حفظ دین فطری - الهی است. ارهاب، بازدارندگی و عدم غافل‌گیری هدف نهایی از آمادگی دفاعی نیست، بلکه هدف میانی و ابزاری برای رسیدن به هدفی بالاتر است که نقطه تمایز فلسفه آمادگی دفاعی بین اسلام و سایر مکاتب است و آن، حفظ دین اسلام و پیاده کردن آموزه‌های دینی است. به دیگر سخن آمادگی با هدف ارهاب و ترس، عدم غفلت و بازدارندگی خواست همه مکاتب اسلامی و غیر اسلامی است اما تفاوت انجا روشن می‌شود که این اهداف سه‌گانه در حکومت‌های غیر اسلامی هدف غایی و نهایی تلقی می‌شود اما در اسلام و حکومت اسلامی اهداف میانی و آلی برای رسیدن به هدفی نهایی و عالی شمرده می‌شود که آن حفظ دین فطری و الهی است. علامه طباطبائی می‌نویسد: «غرض حقیقی از تهیه نیرو این است که به قدر توانائی‌شان بتوانند دشمن را دفع کنند و مجتمع خود را از دشمنی که جان و مال و ناموسشان را تهدید می‌کند حفظ نمایند. به عبارت دیگر، که با غرض دینی نیز مناسب‌تر است این است که به قدر توانائی‌شان نائره فساد را که باعث بطلان کلمه حق و نابودی اساس دین فطری می‌شود و نمی‌گذارد خدا در زمین پرستش شود و عدالت در میان بندگان خدا جریان یابد خاموش سازند (ر.ک: علامه طباطبائی، ج ۹: ۱۱۶). پس بر همگان واجب است دین خدا را به طور کامل به پا دارند و در انجام این وظیفه تبعیض قائل نشوند که پاره‌ای از احکام دین را به پا بدارند و پاره‌ای را رها کنند و به تمامی آنچه که خدا نازل کرده و عمل بدان را واجب نموده ایمان بیاورند (ر.ک: همان، ج ۱۸: ۳۰). به همین دلیل خداوند بر اقامه دین امر می‌کند و می‌فرماید: ﴿شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ...﴾ (شوری/ ۱۳). اساس دین بر فطرت است؛ در نتیجه توانایی دارد که انسان را در همه اعصار در سراسر هستی به سعادت برساند و تغییر و تنبل نمی‌پذیرد

(فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا...). به همین دلیل اقامه دین مهم‌ترین حق قانونی - انسانی است که خداوند با ارسال پیامبران و کتاب‌های آسمانی این امر را محقق می‌سازد. از این رو اقامه ادیان الهی وظیفه مهم انبیا و مردم است.

حفظ دین الهی و حفظ جان و مال و ناموس مسلمین در واقع دفاع از حق انسانیت است؛ زیرا انسان‌ها از حقی به نام حیات برخوردارند و شرک به خداوند موجب هلاک انسانیت، مرگ فطرت و خاموش شدن چراغ درون دل‌ها می‌شود و در مقابل، قتال و جهاد فی سبیل الله دفاع از حق انسانیت است که حیات مرده را دوباره احیا می‌سازد و انسانیت را زنده می‌گرداند (ر.ک؛ طباطبائی، همان، ج ۲: ۶۶).

از این رو خداوند به منظور دفع فتنه ﴿وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾ (انفال: ۴/ و نیز بقره/۱۹۳)، حفظ اماکن، بقاع و شعائر دینی ﴿لَوْلَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ هَادَمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَ مَسَاجِدُ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا﴾ (حج/۴۰) و دفع فساد ﴿وَلَوْلَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ لِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ...﴾ (بقره/۲۵۱) به جهاد و دفاع در برابر دشمنان امر می‌کند؛ چراکه دشمنی دشمنان خدا، اسلام، حکومت اسلامی و امت اسلامی پایان‌ناپذیر است و تلاش می‌کنند از مبادی مختلف اهداف خصمانه و خود را عملی کنند و در این راه از هیچ تلاشی دریغ نمی‌ورزند.

با توجه به آیات فوق اگر دفاع از دین مشروع نباشد و کافران مسلط شوند، فتنه به پا می‌کنند، فساد را در سراسر گیتی با هدف انهدام نظام حاکم بر آن می‌گسترانند و همه عبادتگاه‌ها و اماکن دینی ادیان مختلف را نابود کرده و چیزی جز محو دین و نابودی پرستش‌گاه‌های یکتاپرستان نتیجه نخواهد داد. چون اقامه دین حقی مشروع است دفاع از آن نیز حقی مشروع خواهد بود (ر.ک؛ طباطبائی، همان، ج ۲: ۶۶، زمخشری، ۱۴۰۷ ق، ج ۳: ۱۶۰). پس دفاع از این حق فطری و مشروع، حقی دیگر است که آن نیز فطری است و قائم ماندن دین توحید به روی پای خود، و زنده

ماندن یاد خدا در زمین، منوط به این است که خدا به دست مؤمنین دشمنان خود را دفع کند (ر.ک)؛ طباطبائی، همان؛ رشیدرضا، ۱۹۹۰ م، ج ۱۱: ۲۲۹).

۴-۶. دفع فساد و فتنه عامل تحقق دین و حاکمیت الهی

دفع فساد، فتنه و حفظ اماکن مقدس و بُقاع متبرکه زمانی تحقق می‌یابد که مقدمات جهاد موفق فراهم شده باشد که آن آمادگی دفاعی همه‌جانبه است؛ چرا به حکم عقل پیش‌گیری بهتر از درمان است و به حکم شرع نیز دفاع از بیضه اسلام بر همگان فرض است. همان‌طور که گفتیم با رعب و ترس، هوشیاری و بازدارندگی تا حدود زیادی و گاه به طور کامل می‌توان در برابر دشمن ایستاد و دین الهی، سرزمین، منافع و جان و مال را با هزینه جانی و مالی کمتر حفظ و صیانت نمود بدون اینکه نوبت به جنگ فیزیکی برسد. بنابراین، مهم‌ترین فلسفه وجودی آمادگی دفاعی در گام اول و جهاد در گام دوم، حفظ دین و اعتقاد است؛ زیرا عمود استقلال و آزادی يك ملت و پایگاه اعتقادی اوست و اینکه عنصر محوری پایگاه ایمانی مراکز مذهبی می‌باشند؛ زیرا بر اساس «فیه رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَّطَهَّرُوا» و برپایه اصل «فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تُرْفَعَ» مسجد و مانند آن هسته مرکزی تأمین عقاید، اخلاق و عمل به احکام فقهی و حقوقی‌اند. و نیز همه مومنان مکلف به عمران، آبادانی و حفظ این مراکز می‌باشند تا مانع گسترش فساد و فتنه شوند و دین الهی بر کل گستره زمین حاکم باشد (ر.ک؛ جوادی آملی، ج ۱۱: ۷۱۶). که از جمله این وظایف آمادگی دفاعی است.

بنابراین حفظ دین درگرو دفع فتنه و فساد در همه عرصه‌هاست است که همه این امور در سایه آمادگی دفاعی ویژه با روش‌های متعدد و متنوع به منصفه ظهور می‌رسد زیرا فضل و لطف خداوند بر این امر است که زمین خالی از فساد باشد و انسان‌ها تحت حاکمیت الهی مسیر سعادت و بندگی را طی کنند. چون فساد در زمین یعنی انهدام نظام حاکم بر آن است (ر.ک؛ جوادی آملی، ج ۱۱: ۷۱۱) زیرا به دنبال فساد مسائلی چون رشد و نمو مجدد کفر، غلبه فاسدان بر زمین، گسترش فساد و ظلم، نابودی منافع و مصالح مردم، تعطیل شدن احکام و اوامر الهی و محو آنچه

مایه آبادانی زمین است رخ می دهد (ر.ک؛ زمخشری، ۱۴۰۷ ق، ج: ۱: ۲۹۶). زیرا قرآن می فرماید:

﴿إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا أَعْرَظَ أَهْلِهَا آذِلَّةً﴾ (نمل/۳۴).

تلاش برای دفع فساد مختص زمان و مکان خاص نیست به تعبیر علامه طباطبائی اینکه دفع فساد را منحصر در کفار و زمان صدر اسلام نمایم درست نیست. بلکه مراد از دفع فساد و اصلاح زمین، مطلق اصلاح و دائم الوقت بودن آن است که در سایه چنین اصلی، اجتماع را همواره محفوظ باقی می دارد (ر.ک؛ طباطبائی، ج ۲: ۲۹۵). از این رو دفع فساد از زمین به نسلی مخصوص و عصری خاص اختصاص ندارد، زیرا تفضل خداوند شامل همه جهانیان در تمامی اعصار است (ولکن الله ذو فضل علی العلمین) (ر.ک؛ جوادی آملی، ج ۱۱: ۷۱۱) که جلوی همه گیر شدن و همگانی شدن فساد را در روی زمین می گیرد (ر.ک؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۲۴۷).

از جمله مصادیق و شیوه های آمادگی دفاعی به منظور برجیده نمودن فساد و فتنه در جامعه و حفظ دین الهی تبیین عقاید و آموزه ای دین اسلام در همه ابواب با زبان گویا، دقیق، روشن و به موقع سبب می شود، افراد جامع از نظر اعتقادی واکسینه شوند و دین الهی و آموزه ها و قوانینش حاکم شود و به دشمن فرصت نمی دهد تا عقاید ناقص و نادرست خود را نشر دهند و نقشه های شوم خویش را در ارتباط با مؤمنان اجرایی کنند و زندگی دنیوی و اخروی آنان را به خطر اندازند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

بحث و نتیجه گیری

جنگ و مبارزه امری همیشگی در بین بشریت بوده و هست از این رو آمادگی دفاعی در برابر دشمنان امری عقلی، طبیعی و مستمر و از دیدگاه اسلام شرعی و از دیدگاه علامه امری فطری، عقلی و قرآنی است. اهمیت آمادگی و قدرت دفاعی و تأکید بر آن به دلیل ایجاد رعب و ترس در روح و صفوف دشمن، عدم غافل گیر شدن از ناحیه دشمن و ایجاد بازدارندگی قوی در سطوح منطقه ای و جهانی است که در اندیشه علامه طباطبائی این اهداف سه گانه ابزاری برای رسیدن به هدف نهایی که همان حفظ دین و شعائر الهی و امت اسلامی می باشند. البته شیوه ها و چگونگی

ارهاب دشمن، تکنیک‌های غفلت‌زدایی از جنرال‌الله و الزامات تحقق‌بازدارندگی قوی منطقه‌ای و بین‌المللی نیازمند پژوهش‌های دیگری است که در این مقاله نمی‌گنجد.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن ابی حاتم، عبد الرحمن. (۱۴۱۹ق.). *تفسیر القرآن العظیم لابن ابی حاتم*. ج ۵. المحقق: أسعد محمد الطیب المملكة العربية السعودية. مكتبة نزار مصطفى الباز.
۳. ابن فارس، احمد. (۱۳۹۹هـ - ۱۹۷۹م.). *معجم مقاییس اللغة*. ج ۲. بی‌جا: دار الفکر.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم بن علی. (۱۴۱۴ق.). *لسان العرب*. ج ۱. بیروت: دار صادر.
۵. آریان پور کاشانی، عباس و منوچهر. (۱۳۷۴). *فرهنگ دانشگاهی انگلیسی به فارسی*. ج ۱. تهران: سپهر.
۶. آلوسی، شهاب‌الدین. (۱۴۱۵ق.). *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی*. ج ۱۰. المحقق: علی عبد الباری عطیة. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۷. بهشتی دامغانی، ابراهیم. (۱۳۹۱). *دفاع مشروع در فقه اسلامی*. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار.
۸. جلالی فراهانی، غلامرضا. (۱۳۹۰). *پدافند غیرعامل و تهدیدهای نوین*. تهران: ایران.
۹. جمعی از نویسندگان. (۱۳۸۰). *اصول جنگ*. تهران: پژوهشگاه تحقیقات علمی سپاه.
۱۰. جوادی آملی، عبد الله. (۱۳۹۲). *تفسیر تسنیم*. ج ۱۱. قم: اسراء.

۱۱. _____ . (۱۳۹۲). *تفسیر تسنیم*. ج ۹. قم: اسراء.
۱۲. _____ . (بی تا). *انسان در اسلام*. قم: اسراء.
۱۳. الجوهری، أبو نصر. (۱۴۰۷ق.). *الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة*. ج ۲۱. بیروت: دارالعلم للملایین.
۱۴. حمیم، سلیمان. (۱۳۷۸). *فرهنگ معاصر انگلیسی*. تهران: فرهنگ معاصر.
۱۵. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). *لغتنامه دهخدا*. ج ۵. تهران: تیراژه.
۱۶. _____ . (۱۳۷۷). *لغتنامه دهخدا*. ج ۵. تهران: تیراژه.
۱۷. الرازی، فخر الدین. (۱۴۲۰ق.). *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*. ج ۱۵. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۸. رستمی، محمود. (۱۳۸۶). *فرهنگ واژه‌های نظامی*. تهران: ایران سبز.
۱۹. رشیدرضا، محمد. (۱۹۹۰م.). *تفسیر القرآن الحکیم (تفسیر المنار)*. ج ۱۰. بی جا: هیئة المصریة العامه للکتاب.
۲۰. _____ . (۱۹۹۰م.). *تفسیر القرآن الحکیم (تفسیر المنار)*. ج ۱۱. بی جا: هیئة المصریة العامه للکتاب.
۲۱. الزبیدی، محمد بن محمد. (بی تا). *تاج العروس من جواهر القاموس*. ج ۱۱. بی جا: دارالفکر.
۲۲. الزمخشري، أبو القاسم. (۱۴۰۷ق.). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*. ج ۱. بیروت: دار الکتاب العربی.
۲۳. _____ . (۱۴۰۷ق.). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*. ج ۲. بیروت: دار الکتاب العربی.
۲۴. طاهری خرم آبادی. (۱۳۶۸). *جهاد در قران*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۲۵. طباطبائی، محمدحسین. (۱۳۹۰). *المیزان فی تفسیر القرآن*. ج ۱۶. بیروت. موسسه الاعلمی للمطبوعات.
۲۶. _____ . ج ۱۸. بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
۲۷. _____ . ج ۵. بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
۲۸. _____ . ج ۱. بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
۲۹. _____ . ج ۲. بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
۳۰. _____ . ج ۴. بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
۳۱. _____ . ج ۹. بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
۳۲. _____ . ج ۱۴. بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
۳۳. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۲۰ق.). *تفسیر جوامع الجامع*. ج ۲. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
۳۴. عمید، حسن. (۱۳۷۴). *فرهنگ فارسی*. ج ۲. تهران. امیرکبیر.
۳۵. فاضل لنکرانی، محمد. (۱۳۸۱). *اصول فقه شیعه*. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (ع).
۳۶. قاسمی، فرهاد. (۱۳۹۹). *اصول و روابط بین الملل*. ویرایش دوم. تهران: میزان.
۳۷. قرائتی، محسن. (۱۳۸۸). *تفسیر نور*. ج ۲. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۳۸. _____ . (۱۳۸۸). *تفسیر نور*. ج ۳. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

۳۹. کالینز، جان ام. (۱۳۸۸). *استراتژی بزرگ*. کورش بایندر. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
۴۰. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. ج ۲. تهران: دار الکتب الاسلامیه.

سایت‌ها

41. <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=34213>
42. <http://lib.eshia.ir/50080/11/1>

